



ماشه «انتظارات تورمی»



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

«تصویر آینده» شاید مهم‌ترین متغیر مؤثر اقتصاد این روزهاست که همه چیز را زیر و رو می‌کند، در علم اقتصاد به چنین پدیده‌ای «انتظاری تورمی» می‌گویند؛ موضوعی که واقعی نیست، اما به‌قدری قدرت دارد که واقعی‌ترین پدیده‌ها را هم شکل می‌دهد، در واقع اگر چیزی قرار باشد زودتر از هر عامل بیرونی، اقتصاد کشورمان را دستخوش تغییر کند، همین تصویر آینده و

انتظارات روانی ما از آن است. بسیاری از رفتارهای اقتصاد، صرفاً بر اساس برداشت عمومی از اتفاقاتی که هنوز رخ نداده است، تغییر می‌کنند، این همان ماشه‌ای است که هر لحظه کشیده می‌شود. کافی است خبری منتشر شود یا ابهامی در فضای سیاسی شکل بگیرد، پیش از آنکه هیچ اتفاق مشخصی بیفتد، بازار واکنش نشان می‌دهد، دلار گران می‌شود، طلا بالا می‌رود، خریدها هیجانی می‌شود و سرمایه‌گذاری‌ها سست می‌شود، فقط به این دلیل که چون «تصور شده» قرار است اتفاقی بیفتد.

در چنین وضعیتی، مکانیسم ماشه یا همان اسنپ‌پک بیش از آنکه یک مسئله حقوقی یا سیاسی باشد، یک رخداد روانی است. بسیاری از کارشناسان تأکید می‌کنند که بخش بزرگی از اثرات تحریم‌ها پیشاپیش در اقتصاد کشورمان مستهلک شده، اقتصاد ما سال‌هاست تحت سخت‌ترین فشارهای یک‌جانبه رژیم امریکا قرار دارد. به گفته مسئولان اقتصادی، تحریم‌های شورای امنیت اگر برگردند، غالباً محدود به حوزه‌های هسته‌ای و موشکی هستند و نه چیز تازه‌ای. این فشارها اضافه می‌کند و نه سازوکار متعادل‌تری متفاوتی ایجاد می‌کند ولی بازار با نگاه به تجرب مختلف از جمله وعده‌های برجام که قرار بود مشکل آب خوردن را هم حل کند اما اکنون قورت دادن آن را هم سخت کرده‌است، به این تمایز توجه ندارد و وقتی کلمه «تحریم» را می‌شنود، بر اساس آن، موجی از بی‌اعتمادی شکل می‌دهد.

این همان جایی است که غیبت دولت، خطرناک می‌شود. اگر نهاد

رسمی در میدان نباشد تا «واقعیت» را توضیح دهد، بازار با «تصور»

خودش کار می‌کند. ذهنیت عموم مردم، فضای اقتصادی را شکل می‌دهد و نه بالعکس. سیاست‌گذاری در چنین شرایطی، اگر فقط

فنی و عددی باشد، بی‌فایده است. دولت باید حرف بزند. باید بگوید

ما چرا چیست. باید تصویر واقعی آینده را با زبانی روشن و روزاست

طبیعاً نه مثل درس‌های غلط دهه ۹۰ با مردم در میان بگذارد. این

کار به هیچ رسانه‌ای قوی نیاز دارد که معالاف‌شورای اطلاع‌رسانی

دولت همچون گذشته درگیر حواشی و حزبی‌بازی است و نباید انتظار

داشت بتواند چنین بازی را بردارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود با سازوکار

مشخصی که پیشنهاد این پیش‌تر به مسئولان ارائه شده‌است، به مدیریت

انتظارات تورمی کمک شود. طبعاً در نبود تصویر واقعی، واکنش‌های

خیالی اما پر قدرت، به سرعت شکل می‌گیرد و ترس از آینده، بازار را

قفل می‌کند.

می‌گویند این روزها اقتصاد کشورمان «وضعیت تعلیق» را تجربه

می‌کند، یعنی نه به‌طور کامل در بحران است و نه از آن خارج شده

است. این حالت معلق بیشتر از آنکه ناشی از داده‌های واقعی اقتصادی

باشد، حاصل نوعی بالاتکلیفی روانی است. جامعه نمی‌داند آینده چه

می‌شود، برای همین به جای حرکت، صبر می‌کند یا اقدام‌های دفاعی

انجام می‌دهد. در چنین شرایطی باید به عنوان تنظیم‌کننده اهمیت

پیدا می‌کند که باید وارد میدان شود و با توضیحات دقیق و درست،

افاق ایجاد کند. اگر دولت بتواند با این پدیده‌ها دربارۀ توان تاب‌آوری

اقتصادی، برنامه‌هایی مقابله با آثار روانی تحریم و مسیرهای موجود

برای حفظ ثبات اقتصادی سخن بگوید، بسیاری از این انتظارات تورمی

قابل کنترل می‌شود، چه آنکه مردم به‌طور ذاتی دنبال آرامش هستند.

اگر بداندند تصمیم‌گیرنده‌های هوشتیار و با برنامه در رأس امور است،

حتماً واکنش‌شان منطقی‌تر خواهد بود، اما اگر این حس شکل بگیرد

که تصمیم‌گیری‌ها مبهم، واکنش‌ها کند و برنامه‌ها نامعلوم‌ند، تصور

عمومی به‌سرعت به سمت بدبینانه‌ترین حالت ممکن می‌رود، دقیقاً به

همین دلیل است که سکوت در چنین شرایطی، یک خطای راهبردی

تلقی می‌شود، پس باید ذهن مردم را در اولویت اداره قرار داد و نباید

گذشت فضای روانی بیش‌تروری

کارکرد بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، تیم رسانه‌ای دولت و حتی مقامات

سیاسی کشور، در شرایط موجود، فقط اعلام آمار و آرقام با دفاع از

سیاست‌های موجود نیست می‌داند انتظارات تورمی در نقش «ترمیم‌کننده اعتماد»

عمل کنند، چه آنکه نیک می‌داند انتظارات تورمی، اگر مدیریت نشود،

همه‌چیز را حتی سیاست‌های در دست را تخریب می‌کند، چون مردم

وقتی به این دغدغه اعتماد ندارند، دست به ریسک نمی‌زنند. پول‌شان را در

فرصت‌های سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و طبعاً مسیر اقدامات سودآگرا نه

نیز مهیا می‌شود.

ماشه واقعی امروز اقتصاد کشورمان، همان «ماشه انتظارات تورمی»

است، چیزی که موجی از نابسامانی روانی به ما مغان آورده است و

می‌تواند آن را تشدید هم کند و اگر تعلل صورت گیرد، مهار آن هم کار

ساده‌ای نخواهد بود. دولت دوشادوش کنترل بازار ارز، سکه یا خودرو،

باید ذهن‌ها را آرام کند. باید «ترس از آینده» را جدی بگیرد، و گرنه این

ترس به خودی خود، آینده را تغییر می‌دهد. «ذهنیت منفی جامعه»

خود نوعی دشمن نامرئی اقتصاد کشورمان است و مسئولان باید این

دشمن را جدی بگیرند و البته این درس را هم بگیرند که به جای

«صعی لزرن» یا دیگران به «لنوی قوی» خود تکیه کنند و اجازه ندهند

مسیر اقتصادی در پیرون از چاله به سوی «فرانسچکو»های رنگارنگ

نوشته شود چرا که چنین مسیری از چاله به چاه خواهد بود.

نکته دیگری که نباید از آن غافل شد، این است که با بازگشت احتمالی

تحریم‌ها، مسئولان نباید پشت این محدودیت‌ها پنهان شوند و هر

نوع ناتوانی یا ضعف در مدیریت را به تحریم تسبب دهند، چه آنکه

تحریم‌ها، برای اقتصاد ایران چیز تازه‌ای نیستند. سال‌هاست کشورمان

تحت سخت‌ترین فشارهای خارجی قرار دارد و در همین شرایط،

ظرفیت‌هایی برای رشد، صادرات، تولید و تاب‌آوری نیز تجربه شده

است، بنابراین توصیه ناکارآمدی با تکیه بر تحریم‌ها را به جایی نمی‌برد

و به بی‌اعتمادی عمومی نیز دامن می‌زند. مردم، از دولت و حاکمیت

انتظار دارند در بزنگاه‌ها، مسئولیت‌پذیر باشند و با کلی‌گویی از زیر بار

پاسخگویی فرار نکنند. اگر با برنامه، مدیریت، شفافیت و تعامل عمل

شود، می‌توان حتی در سخت‌ترین شرایط، ثبات نسبی ایجاد کرد.

مسئولان باید نشان دهند که آمادگی لازم برای مواجهه با سناریوهای

پیش‌رو را دارند. قرار از مسئولیت، بزرگ‌تر از خود تحریم به اقتصاد

ضربه می‌زند.

جان کلام آنکه، آنچه امروز بیش از هر عامل خارجی اقتصاد کشورمان را

تهدید می‌کند، فضای روانی ناشی از بی‌اعتمادی و انتظار برای اتفاقات

نامعلوم است. دولت باید بداند که اتکای صرف بر متغیرهای بیرونی

و امید بستن به تحولات خارجی، نکرار اشتباهی‌ای است که یکبار در

دهه ۹۰آموده شد و نتیجه‌اش چیزی جز فرسایش توان اقتصادی،

تعلیق سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش انتظارات تورمی نبود. تجربه آن

سال‌ها به وضوح نشان داد معطل ماندن برای تصمیمات قدرت‌های

جهانی اقتصاد را در وضعیت نیمه‌تعطیل قرار می‌دهد و هر شوک

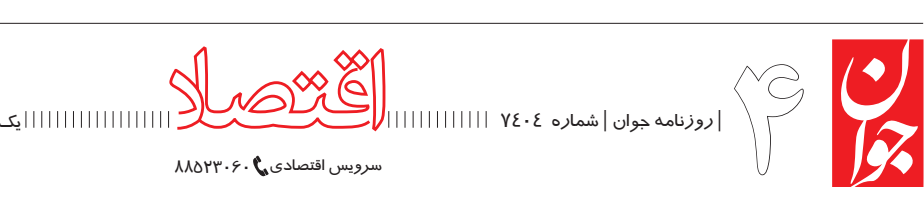
خارجی، دهها برابر بزرگ‌تر از اثر واقعی‌اش، ذهن جامعه را دچار بحران

می‌کند. دولت فعلی باید از این تجربه به یاد بگیرد و مسیر سیاست‌سازی

تحریم، تقویت تولید داخلی، شفاف‌سازی سیاست‌ها و گفت‌وگوی

مداوم با مردم را در اولویت قرار دهد. شرط عبور از بحران، داشتن اراده

برای حرکت در مسیر استقلال اقتصادی است.



روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۴ | یک‌شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | سرویس اقتصادی | ۰۶۰۸۵۳۲۰۰

مکانیسم ماشه بن‌بست نیست

کارشناسان معتقدند عضویت ایران در سازمان‌ها و اتحادیه‌های مختلف اعم از بریکس و شانگهای

امکان خنثی‌سازی تحریم‌ها را بیش از گذشته برای ما فراهم کرده است



محمدحسین موحدی‌نژاد | انسینم

بازار کشورمان سال‌هاست با عامل «انتظار» زندگی می‌کند. هر بار که خبر از مذاکره یا توافقی منتشر می‌شود، قیمت‌ها آرام می‌گیرند، هر بار هم که سخن از تحریم جدیدی به میان می‌آید، بازار دچار شوک می‌شود. این بار هم داستان مشابهی در حال تکرار است. در حالی که بسیاری مکانیسم ماشه را تهدیدی اقتصادی می‌دانند، کارشناسان معتقدند اثر واقعی این مکانیسم بر اقتصاد ایران پیش‌تر مستهلک شده و اگر برای مواجهه یا فعال شدن مکانیسم ماشه برنامه‌ریزی و اقدام کنیم، می‌توان آثار روانی و واقعی آن را مدیریت کرد و هزینه آن بر

بازخورد عینی و مصداقی تقویت انتظارات تورمی خواهد بود که در نهایت از جهات مختلف از جمله افزایش تورم بر همه اقتصاد سایه خواهد انداخت. البته تجربه نشان داده است بیشترین تأثیرات شوک‌های اقتصادی همچون مکانیسم ماشه در دوسه ماه اول خواهد بود و به تدریج امکان سازگاری اقتصاد با آنها و هضم شوک در شاخص وجود دارد، با این حال اهمیت مدیریت این دوره کوتاه‌اولیه نباید دست‌کم گرفته شود چراکه سکوت یا بی‌عملی سیاستگذار در این باره می‌تواند به تقویت بدبینی نسبت به تحریم‌ها و شکال‌گیری موج‌های ثانویه منجر شود. آنچه بیش از خودتهدید تحریم‌ها خطرناک است، بی‌زمانگی در مواجهه با آن است. از این شرایط، برای اقتصاد ایران، بدون این ابزار، دولت ضروری به نظر می‌رسد: اجرای واقعی قانون مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) برای مهار ورود نقدینگی به بازارهای غیرمولد به‌ویژه طلا و ارز. بدون این ابزار، انگیزه سفته‌بازی تقویت می‌شود. کنترل و شفاف‌سازی صرافی‌های دیجیتال و رمرارزها در روزهای پر تنش، به یکی از کاتال‌های اصلی فرار سرمایه و انتقال شوک ارزی تبدیل می‌شوند، همچنین محدودیت کوباهمدت در خروج سرمایه از کشور و اعمال کنترل سرمایه، به‌ویژه در معاملات دلاری است نه اقتصادی. از دیدن شوک پلنفرم‌های واسطه انجام می‌شود.

انتظارات تورمی مدیریت شود. تصویر ذهنی ایرانیان پس از بازگشت عملاً همه ظرفیت‌های اصلی اقتصاد ایران، از صادرات نفت گرفته تا نظام بانکی، بیمه، کشتیرانی و حتی تجارت غیر نفتی را هدف قرار داده‌اند. در چنین بستری، بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، به‌واسطه مکانیسم ماشه، به مسیر جدیدی می‌گشاید و نه حلقه تازه‌ای بر زنجیر تحریم‌ها اضافه می‌کند. با نزدیک شدن به پایان ضرب‌الاجل‌های توافقی هسته‌ای و تشدید مواضع کشورهای غربی، بار دیگر واژه «مکانیسم ماشه» به صدر اخبار و تحلیل‌ها بازگشته است؛ سناریویی که بر اساس قطعنامه ۲۲۳ شورای امنیت امکان بازگشت خودکار تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را فراهم می‌کند و در میان افکار عمومی نیز نگرانی‌هایی جدی درباره آینده اقتصادی کشور پدید آورده است.

در چنین شرایطی، وظیفه اصلی سیاستگذار، مدیریت اثر روانی تحریم‌هاست. این امر نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و هوشمندانه در سطوح اقتصادی، رسانه‌ای و امنیت روانی است. اکنون تیم اقتصادی دولت باید با زبانی روشن و مستند به‌افکار عمومی توضیح دهد که مکانیسم ماشه چه هست و چه نیست و مهم‌تر از آن، چه تأثیری بر اقتصاد ایران دارد. کاهش ابهام و ترس عمومی، اولین گام در مهار انتظارات تورمی است. کنشگران معتقدند جهش نرخ ارز، افزایش تقاضا برای دارایی‌ها و رشد قیمت طلا،

این کارشناس با بیان اینکه آنچه نمی‌توان از آن غفلت کرد، قدرت اثرگذاری روانی مکانیسم ماشه است، می‌افزاید: پیش از عملی شدن آن، بازار از واکنش نشان می‌دهد، انتظارات تورمی تشدید می‌شود، سرمایه‌گذاران دست نگه می‌دارند و افکار عمومی با نوعی «هراس از آینده» مواجه می‌شود. به عبارت دیگر، اگرچه «اثر واقعی» ماشه پیشاپیش در اقتصاد ایران مستهلک شده اما «اثر روانی» آن هنوز فعال است و می‌تواند به التهاب در بازارها و رفتارهای

اقتصادی غیرعقلانی منجر شود. وی می‌گوید: پرسش اساسی این است که آیا مکانیسم ماشه، آن‌گونه که تصور می‌شود، ضربه تازه‌ای به اقتصاد ایران وارد می‌کند یا بیش از آنکه واقعیت اقتصادی باشد، سایه‌ای روانی است که باید مدیریت شود؟ پارسا درباره نقش بانک مرکزی می‌افزاید:

بازگشت هفت قطعنامه تحریمی می‌شود

و کشورهای عضو منشور ملل متحد، ملزم

هستند به تحریم‌های مندرج در قطعنامه‌ها

عمل کنند و با آن همراهی داشته باشند، با

این حال تحریم‌های مندرج در قطعنامه‌ها،

بسیار محدودتر از تحریم‌های یکجانبه‌ای

است که در حال حاضر امریکا علیه ایران

وضع کرده است.

به گفته این کارشناس، ما باید به جای

دورزدن تحریم‌ها که الان داریم انجام

می‌دهیم و نتیجه آن شکل‌گیری یک

سیستم تراستی در حوزه تجارت شده

است، به سمت بی‌اثر کردن تحریم‌ها

برویم و تجارت رسمی خود را با کشورها

شکل دهیم. اگر این‌کار را انجام دهیم،

مهم‌ترین تحریم امریکا بی‌اثر می‌شود و

سایر تحریم‌ها نیز نمی‌تواند به اندازه‌ای که

این تحریم‌ها اقتصاد ایران را متاثر کرده‌اند،

اثرگذار باشند.

پروابراهیمی: تحریم‌های شورای

امنیت محدود به برنامه هسته‌ای و

موشکی است

محمدرضا پروابراهیمی، رئیس کمیسیون

اقتصادی دبیرخانه مجمع تشخیص

مصلحت نظام در گفت‌وگوی ویژه خبری

در خصوص فعال شدن مکانیسم ماشه

می‌گوید: در صورت بازگشت شش تحریم

خامنه‌یافته شورای امنیت، این تحریم‌ها

صرفاً به حوزه فعالیت‌های هسته‌ای و

موشکی ایران محدود می‌شوند و هیچ

تأثیری بر تجارت، فروش نفت، مرادوات

بانکی یا تأمین کالاهای اساسی نخواهند

داشت.

وی با بیان اینکه این تحریم‌ها با

تحریم‌های یک‌جانبه امریکا قابل مقایسه

نیستند، می‌افزاید: مردم می‌توانند با

یک جست‌وجوی ساده متوجه شوند که

محتوای این تحریم‌ها چیست. این تحریم‌ها

هیچ ارتباطی با حوزه‌های تجارت، فروش

نفت یا کالاهای اساسی ندارند. اگرچه

فضای روانی ناشی از این تحریم‌ها ممکن

است و بر برخی کشورهای دیگر، اما تأثیر

واقعی آنها محدود است.

پروابراهیمی همچنین به دستاوردهای اخیر

ایران در اجلاس سازمان همکاری شانگهای

اشاره کرد: در این اجلاس تصمیمات

مهمی گرفته شد، از جمله تشکیل کمیته‌ای

برای مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه امریکا

علیه کشورهای عضو. این اقدام ظرفیت

بزرگی برای ایران ایجاد کرده است.

وی می‌افزاید: تعریف پول مشترک در

میان کشورهای عضو شانگهای و بریکس

که مورد انتقاد رئیس جمهور امریکا نیز

قرار گرفته است، می‌تواند سطره دلاری بر

تجارت جهانی را تضعیف کند و به ایران

امکان دهد بخش زیادی از محدودیت‌های

داخلی باشد. ایران باید ظرفیت‌های خود

را در بخش‌هایی مانند پتروشیمی، فولاد،

کشاورزی و صنایع الکترونیک افزایش دهد

تا از وابستگی به صادرات نفت کاسته شود

و درآمدهای ارزی جایگزین برای ایجاد کند،

همچنین تسهیلات مالی، حمایت از بخش

خصوصی و تحریک تقاضا برای کالاهای

داخلی می‌تواند به تقویت تاب‌آوری

اقتصادی کمک کند.

این کارشناس یکی از بهترین راه‌های

مقابله با آثار روانی مکانیسم ماشه را تقویت

روابط تجاری و دیپلماتیک با کشورهای

همسایه و شرکای تجاری می‌داند و

تأکید می‌کند: ایران باید از روابط خود

با کشورهای آسیایی مانند چین، هند،

روسیه و کشورهای خاورمیانه به‌طور مؤثر

استفاده و راه‌های جدید برای صادرات کالا

و خدمات خود ایجاد کند. تقویت شبکه‌های

تجارت غیررسمی و استفاده از ارزهای ملی

در مبادلات تجاری می‌تواند به کاهش

اثرات تحریمی و روانی کمک کند. در این

راستا، می‌توان از تجربیات موفق کشورهای

همپیمان برای دورزدن تحریم‌ها استفاده

کرد.

مکانیسم ماشه

محدودتر از تحریم‌های امریکا

همچنین «محمد امینی رعیه» کارشناس

اقتصادی در گفت‌وگو با اپرنا ضمن بیان

اینکه فعال شدن مکانیسم ماشه، تحریمی

جدیدتر یا سخت‌تر از تحریم‌های امریکا

علیه اقتصاد ایران اعمال نمی‌کند، می‌گوید:

بازگشت قطعنامه‌های تحریمی سازمان

ملل ممکن است آثار روانی داشته باشد یا

هزینه مقابله با تحریم را در برخی حوزه‌ها

تا حدی افزایش دهد. اگر این مواجهه با

فعال شدن مکانیسم ماشه از همین الان

برنامه‌ریزی و اقدام کنیم، می‌توان آثار روانی

واقعی آن را مدیریت کرد و هزینه آن را بر

اقتصاد به حداقل رساند.

وی می‌افزاید: مکانیسم ماشه باعث



هادی اسماعیلی

کسب و کارهای کوچک زیر فشار قبض‌های سنگین برق

پای توانیر روی کلوی واحدهای تجاری

تعرفه‌های غیر شفاف و افزایش ناگهانی قبض‌ها، انگیزه صرفه‌جویی

را نابود کرده و بسیاری از واحدها و واحدهای صنعتی خرد را

در بحران جدی قرار داده است

مغازه‌ها به عنوان خط مقدم شبکه توزیع با قبض‌های برق سنگین و غیر شفاف روبه‌رو

هستند و نفس کشیدن در فضای رقابت اقتصادی برای‌شان دشوار شده است. یک

مغازه ۱۵متری در بازار، با وجود کاهش مصرف خود به ۸۲۲کیلووات ساعت، قبضی

یک میلیون و ۱۶۷هزار تومانی دریافت کرده است؛ رقمی که پیش از نیمه‌ای از آن

مربوط به ردیف‌های میهمی مانند بهای فصل، سوخت نیروگاهی و عوارض است

و تنها ۶۲۵هزار تومان هزینه واقعی مصرف است. این وضعیت برای واحدهای

کوچک با سود محدود، بار مالی سنگینی ایجاد کرده است و توان فعالیت‌شان